

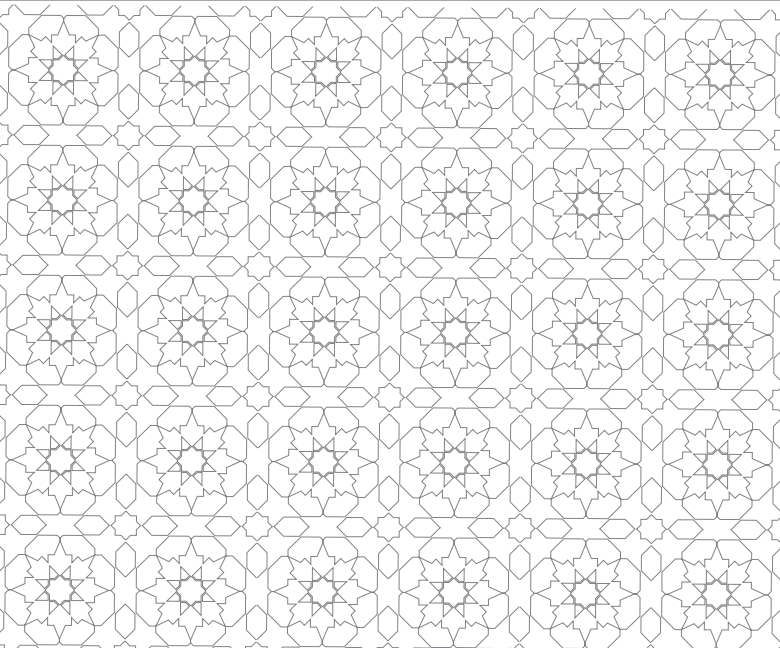


ازدواج مسیحی

تت استیوارت

ازدواج مسیحی

تت استیوارت



مقدمه/۳

بخش اول: یافتن شریک زندگی/۶

بخش دوم: ترک کردن و پیوستن/۱۵

بخش سوم: دعوت خدا برای شوهر مسیحی/۲۴

بخش چهارم: دعوت خدا برای زن مسیحی/۳۳

بخش پنجم: کشف روح یگانگی در ازدواج/۴۰

بخش ششم: مشکلات ازدواج و نشانه‌های آن/۵۰

بخش هفتم: عادات ازدواج موفق/۶۱

بخش هشتم: نگرش کتاب مقدس به طلاق/۷۰

مقدمه

کتابچه‌ای که در دست دارید، خلاصه‌ای از مقالاتی است که در ابتدا برای مجلهٔ شبان‌نوشتم و خوشحالم که برای چاپ مجدد آنها برای نسل جدید ایمانداران که به دنبال سلامتی در ازدواج‌شان هستند، اشتیاق وجود دارد.

ازدواج سنگ بنای اساسی یک جامعه است و برای سلامت کلیساهای مان و شهادتی تاثیرگذار در جامعه‌ای بزرگ‌تر، لازم است. این کتابچه به دلایل زیر دوباره چاپ و در کلیساهای ایرانی توزیع می‌شود.

* خیلی از ازدواج‌های ما دچار مشکل هستند. تنش‌های زناشویی رایج‌ترین مسایل مشاوره‌ای هستند که با آنها سر و کار دارم.

* ازدواج‌های فروپاشیده عمیقاً فرزندان ما را وحشت‌زده می‌کنند و آنها را در بزرگسالی از ازدواج می‌ترسانند.

* همهٔ ما مسیحیان ابزاری برای سلامت

ازدواج‌مان داریم. ما کلام خدا و روح‌القدس را داریم تا هدایت‌مان کنند. ما باید به دنیا شهادت بدهیم که ازدواج وقتی می‌تواند به خوبی پیش برود که خودمان را تسلیم خداوندی مسیح می‌کنیم.

* فرهنگ‌های ما ازدواج را مورد حمله قرار می‌دهند و شاید روزی بیاید که تنها پیروان مسیح به ازدواج‌شان وفادار باشند. فرهنگ غرب که بیشتر ما در آن زندگی می‌کنیم بار رد کردن خدا به سردرگمی جنسیتی‌ای سقوط کرده که تعریفی دیگر به ماهیت ازدواج داده است.

* ازدواج‌های ما باید تصویری زنده از مسیح و عروس او کلیسا باشد. اگر ازدواج‌های ما از هم پاشیده‌اند چگونه می‌توانیم به قدرت نجات‌بخش مسیح شهادت دهیم؟ (افسیان ۵: ۲۲-۲۳).

وقتی سال‌ها پیش این پیغام‌ها را نوشتم مفید بودن‌شان برای شبانان و خادمین مسیحی را تجسم کرده بودم. امیدوار بودم شبانان این

کتابچه‌ها را به کسانی که با آنها مشاوره قبل از ازدواج دارند بدهند و به عنوان پایه بحث‌ها از آن استفاده کنند. همچنین امیدوار بودم وقتی زوج‌های مسیحی برای مشاوره به شبان خود مراجعه می‌کنند این کتابچه بتواند به عنوان منبعی به آنها داده شود. بعضی شبانان کتابچه من را به عنوان راهنمای مطالعه برای گروه‌های کوچک یا جلسات کلیسای خانگی استفاده کردند. به هر شکلی که تصمیم گرفته‌اید از این کتابچه استفاده کنید، دعای من این است که محتوای آن، حقیقت، یعنی کلام خدا را روشن کند و سلامتی و خوشی را به ازدواج شما بیاورد. این کتاب با دعا در دستان شما نهاده شده و اگر آن را با قلبی باز و تعلیم‌پذیر بخوانید خدا می‌تواند یک ازدواج بد را تبدیل کند و از یک ازدواج خوب ازدواجی بهتر بسازد.

بخش اول

یافتن شریک زندگی

کشف روش‌های الاهی

شکی نیست که مهم‌ترین تصمیم انسان در زندگی، اول تصمیم به پیروی از مسیح است و بعد انتخاب شریک زندگی. قطعاً در مقطعی از زندگی خود به افرادی برخوردیم که پیوند زناشویی‌شان ناموفق بوده است و از خود پرسیده‌ایم که آیا علت این عدم موفقیت، این نبوده که ایشان با شخصی وصلت کرده‌اند که اراده‌ی خدا نبوده است؟ یا شاید تشخیص داده‌ایم که خدا از این پیوند رنج‌آلود برای تقدیس بیشتر ایشان استفاده می‌کرده است. در هر دو حال، اکثر اشخاص مجرد که در آرزوی ازدواج

می‌باشند، معتقدند که ازدواج‌شان موفق بوده، و شریک زندگی‌شان شخصی مهربان و فداکار خواهد بود. اما شخص چگونه می‌تواند پیش از ازدواج، مطمئن باشد که پس از مراسم عروسی، چه چیز در انتظارش است؟ واقعیت این است که هیچ‌کس قادر نیست به طور کامل پیش‌بینی کند که پیوند ازدواج به چه شکل تحول خواهد یافت. اما بر اساس اصول کتاب مقدس می‌توانیم دست‌کم از بسیاری از سنگ‌های لغزش که می‌توانند باعث شکست ازدواج گردند، اجتناب کنیم. بیایید روش‌های الهی برای انتخاب شریک زندگی را بررسی کنیم.

انگیزه شخص از ازدواج

انگیزه شما از ازدواج چیست؟ آیا واقعا مایلید از نظر خدا پیروی کنید؟ آیا باور دارید که می‌توانید به خدا اعتماد کنید و اشتیاق خود را به ازدواج، به او بسپارید؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است، به وعده‌ای

که خدا می‌دهد توجه کنید: «فکرهایی را که برای شما دارم می‌دانم که فکرهای سلامتی می‌باشد و نه بدی... و مرا خواهید خواند و آمده، نزد من تضرع خواهید کرد و من شما را اجابت خواهم نمود» (ارمیا ۲۹: ۱۱). نقطه آغاز همین جاست: باید آرزوی قلبی خود را با خدا در میان بگذارید و متعهد شوید که کسی را که او برای شما انتخاب کرده، بیابید. خانمی که بسیار خجالتی بود، این دعای ساده را کرد: «خداوندا، خواهش می‌کنم که همسر آینده‌ام را به کلاس مدرسه یکشنبه بیاور.» خدا نیز چنین کرد!

دلایل نادرست

دلایل نادرست بسیاری برای ازدواج وجود دارد و مهم است بدانید که چه چیز شما را به سوی آن سوق می‌دهد. بعضی افراد ازدواج می‌کنند تا شخص دیگری را نجات دهند، مانند آنانی که به خاطر امور مهاجرتی دست به ازدواج می‌زنند.

بعضی دیگر ازدواج را بهترین راه گریز از دست والدینی سخت گیر می پندارند. من خود به بعضی برخورداردهام که از روی ترحم به شخص مقابل با او ازدواج کرده اند تا وسیله ای باشند برای شفای او. برخی نیز خود را موظف می دانند که با کسی که شبان یا والدین شان پیشنهاد کرده اند ازدواج کنند و می ترسند با این پیشنهاد مقاومت نمایند. به علاوه، دنیای ما ازدواج با هدف کسب امنیت مادی یا ترقی اجتماعی را ترغیب می کند. اما همه اینها جایگزین هایی پست برای اهدافی است که خدا برای ازدواج مقرر فرموده است. کلام خدا آشکار می سازد که ازدواج طرح خدا بود برای مکشوف ساختن صورت خود از طریق یک مرد و یک زن که نخست یکدیگر را دوست می دارند و سپس متحداً او را خدمت می کنند. اگر درصدد ازدواج هستید، دعا کنید تا خدا شخصی را به شما نشان دهد که سر سپرده عیسی است و پیش از هر چیز خواهان ملکوت خداست و می خواهد

زندگی خود را با شما تحت خداوندگاری مسیح تقسیم کند.

شخص درست

همچنین افسانه‌های بسیاری در مورد چگونگی یافتن شریک زندگی و تشخیص اینکه فرد مورد نظر را یافته‌ایم وجود دارد. یکی از اینها این تصور نادرست است که در تمام دنیا فقط یک نفر هست که شخص مورد نظر خدا برای شما است و وقتی او را یافتید، زندگی پر سعادت خواهد داشت. لذا وقتی زن و شوهر به مشکلات بر می‌خورند، به این نتیجه می‌رسند که برای یکدیگر شخص مورد نظر نبوده‌اند. بگذارید این نکته را روشن سازم؛ به محض اینکه ازدواج کردید، اراده خدا این است که پیوند خود را با همسرتان نگاه دارید.

عامل عشق

بعضی دیگر بر این باورند که عشق از همه چیز

مهم‌تر است. واقعیت این است که بسیاری از مردم با افراد غریبه ازدواج می‌کنند و باید بیاموزند که چگونه ایشان را دوست بدارند. عشق و شیدایی ممکن است در مراحل اولیه وجود داشته باشد، اما یک عمر طول می‌کشد تا عشق الاهی شکوفا شود. من نصیحت شبانم را که یک هفته پیش از ازدوایم به من داد، دوست دارم؛ او گفت: «همان مسیحی که شما را به هم پیوست، همیشه در کنارتان خواهد بود تا در مواقع سخت به شما کمک کند.» ما در ایمان ازدواج می‌کنیم، اما آیا این بدان معناست که می‌توانیم با هر کسی که می‌خواهیم ازدواج کنیم؟

ایماندار بودن

ممکن است تعجب کنید از اینکه خدا به شما در انتخاب شریک زندگی آزادی زیادی می‌دهد. اما مهم‌ترین شرط این است که فرزند خدا باید با یک ایماندار ازدواج کند. پولس رسول در این

زمینه نظری صریح ارائه می‌دهد؛ می‌فرماید: «زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است؟» (دوم قرن‌تیان ۶: ۱۴). بهتر است پیش از آنکه عاشق شوید، از این اصل پیروی کنید، چرا که بعد از آن، تشخیص صدای خدا بسیار دشوار خواهد بود. البته آنانی که عاشق شده‌اند، این نظریهٔ ظاهراً منطقی همیشگی را مطرح کرده، می‌گویند: «بعد از ازدواج، او را به طرف مسیح هدایت خواهیم کرد.» بعضی دیگر با اعتراض می‌گویند: «نمی‌دانید چه آدم خوبی است. مطمئنم که می‌خواهد مسیحی شود.» اما امر خدا را نمی‌توان نادیده گرفت. چرا خدا تا این حد در این زمینه سخت‌گیر است؟ علتش این است که در این دنیا دو ملکوت یا قلمرو وجود دارد، یکی قلمرو خداوند عیسای مسیح است و دیگری قلمرو تاریکی است که در ضدیت با مسیح قرار دارد. چگونه ممکن است افراد متعلق

به این دو قلمرو بتوانند با هم در صلح و صفا زندگی کنند؟ وقتی یک ایماندار با یک بی‌ایمان ازدواج می‌کند، معمولاً باید در خصوص ایمان خود دست به سازش کاری بزند، و برای خشنود ساختن همسر خود از خدا ناطاعتی کند.

نظرخواهی از والدین

ما باید همیشه به والدین خود احترام بگذاریم. یک فرزند عاقل از والدین خود نظرخواهی می‌کند. شکی نیست که آنها ما را بهتر از هر کس دیگری می‌شناسند. اگر آنها در مورد ازدواج قریب‌الوقوع ما نگرانند، خیلی مهم است که دلیلش را بیابیم. شاید نظراتی راجع به خصوصیات فردی که قصد ازدواج با او را داریم یا در مورد تاریخ ازدواجمان، داشته باشند. وقتی از ایشان مشورت خواستیم و از رضایت آنها اطمینان حاصل کردیم، می‌توانیم بر حمایت و کمکشان در سختی‌ها حساب کنیم. اگر بر خلاف نظر والدین خود ازدواج کنیم،

ممکن است آنها بر ضد وصلت ما کار کنند.

نظرخواهی از شبان

و بالاخره، هر چقدر بر اهمیت دریافت مشورت از شبان تان تاکید کنم، باز کم است. پیش از آنکه سالنی کرایه کنید و کارت‌های دعوت را پخش کنید، نزد شبان خداترسی بروید و از او مشورت و برکت بخواهید. با برقراری رابطه‌ای خوب با شبان تان خواهید توانست به هنگام بروز مشکلات، برای دریافت کمک و مشورت به او مراجعه کنید.

بخش دوم

ترک کردن و پیوستن

«از اینجاست که مرد پدر و مادر خود را رها کرده، با زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند بود» (افسیان ۵: ۳۱).

خدا برای ازدواج الگویی خاص مقرر فرموده، و آن زوج‌هایی که می‌کوشند این الگو را درک کنند، در رابطه با یکدیگر برکات غنی‌ای را تجربه خواهند کرد. یکی از علل ناراحتی‌ها و مشکلات زناشویی، روابط ناسالمی است که میان زن یا شوهر و خانواده‌های‌شان وجود دارد. در یک ازدواج جدید، بسیاری از نیروهای محرک تغییر می‌کنند، تغییراتی که ممکن است یا به شادی و آرامش یا به رنج و جدایی منجر شود. از آنجا که این مشکل حالتی فراگیر دارد، خدا به روشنی

به آن می‌پردازد. نکته‌ای که در آیه فوق آمده، از همان آیه‌ای گرفته شده که در پیدایش ۲: ۲۴ و نیز مرقس ۱۰: ۷ یافت می‌شود. اگر خدا چیزی را سه بار در موقعیت‌های مختلف بیان می‌کند، قطعاً باید نکته مهمی باشد. به علاوه، این آیه یگانه دستورالعملی است که خداوند عیسی در مورد ازدواج ارائه می‌دهد. در نتیجه، بسیار به جاست که آن را مورد بررسی قرار دهیم تا تعلیم و کاربردش را درک کنیم.

اصلی که در آن عرضه شده واقعاً بسیار روشن است. وقتی دو نفر ازدواج می‌کنند، پیش از آنکه بتوانند خانواده جدید و سالمی را به وجود آورند، باید خانواده‌های خود را ترک کنند. اندیشه ترک کردن در اینجا بسیار فراگیر است و چهار حوزه زندگی را در بر می‌گیرد.

جدایی فیزیکی

خدا اعلام می‌کند که برای دستیابی به بهترین نتیجه در ازدواج، ضروری است که شخص به طور فیزیکی والدین خود را ترک گوید. خوب نیست که طرفین ازدواج در همان خانه با آنها زندگی کنند، بهتر است که زوج جدید به خانه جدید خود نقل مکان کنند. دلیلش این است که بسیار دشوار است که شخص نقش زن یا شوهر را بر عهده بگیرد در حالی که هنوز در نقش قدیمی دختر یا پسر گرفتار است. من این را در اوایل ازدوایم کشف کردم؛ حدود یک سال پس از ازدوایمان، من و همسرم برگشتیم تا برای مدت کوتاهی نزد والدینم زندگی کنیم. ابتدا متوجه نبودم چقدر رفتارم با همسرم تغییر کرده، اما بعد از مدتی پی بردم که چقدر به مقام پسر خانواده برگشته‌ام و وظیفه شوهری خود را از یاد برده‌ام. برآوردن توقعات والدین و همسر در آن واحد بسیار تنش‌زاست؛ به همین جهت، حکمت خدا

مقرر داشته تا مرد و زن از والدین خود جدا شوند حتی وقتی این کار به بهای زندگی کردن در محلی نامطلوب باشد. خدا می خواهد بیاموزیم که شراکت در زندگی زناشویی چه معنایی می دهد.

جدایی احساسی

مهم تر از آن، ضروری است که شخص بیاموزد والدین خود را از نظر احساسی ترک کند. برای داشتن ازدواجی سالم، زن و شوهر باید به مرحله ای برسند که بیاموزند از نظر احساسی به یکدیگر اعتماد کنند و وابسته شوند. در دوران رشد، می آموزیم که به والدین خود وابسته باشیم؛ اما برخی از والدین می خواهند این وابستگی را حتی پس از ازدواج فرزندان شان نیز حفظ کنند. این وابستگی می تواند ازدواج را از هم بپاشد. متأسفانه از آنجا که بسیاری از مادرها هیچگاه امنیت احساسی را از جانب شوهران خود تجربه نکرده اند، در نتیجه به فرزندان خود

چسبیده‌اند و مایل نیستند بگذارند که آنها بروند. این قبیل مادران ممکن است از حس خطا یا سایر وسایل تحریک استفاده کنند تا فرزند بالغ خود را به خود وابسته نگاه دارند. در شرایطی منفی‌تر، اگر فرزندان از سوی والدین خود رنج بسیار برده باشند، ممکن است خانه را با نفرت و تلخی ترک کنند. در هر دو مورد، آنها باید این ارتباطات احساسی نادرست را حل کنند تا ازدواج‌شان مجال موفقیت بیابد. مهم است که زن و شوهر والدین خود را ببخشند و از هر گونه تلخی مربوط به گذشته رها شوند تا خانواده‌ای به وجود آورند که از نظر احساسی مستقل باشد، خانواده‌ای که برای حکم‌فرمایی آرامش و شادی مسیح مساعد باشد.

میل به کسب تایید والدین

اما هنوز عامل دیگری نیز هست که می‌تواند به ازدواج صدمه بزند و باید مراقب آن بود. بسیاری

از زن‌ها و شوهرها هنوز می‌خواهند هر کاری که می‌کنند، مورد تایید والدین‌شان باشد تا به این ترتیب احساس اطمینان و امنیت کنند. این کار اغلب به این معنا است که نظرات والدین خود را مقدم بر نظرات همسرشان قرار می‌دهند. یکی از نتایج این کار می‌تواند این باشد که شریک زندگی خود را تحت فشار قرار دهند تا رفتاری را که مورد تایید والدین‌شان نیست تغییر دهد. یا اگر شخص بر خلاف میل والدینش ازدواج کرده، ممکن است تمام زندگی خود را صرف این کند که ثابت کند کارش درست بوده است. مطمئنم که می‌بینید همه اینها چه فشار غیر ضروری‌ای بر ازدواج وارد می‌کند. پس حکم کتاب مقدس چقدر خردمندانه است: خانه پدری خود را از نظر احساسی ترک کنید و به شریک زندگی خود بپیوندید و رابطه زناشویی را تبدیل کنید به رابطه مرکزی قلب خود.

جدایی مالی

ترک کردن به این معنی نیز هست که زن و شوهر دیگر از نظر مالی به والدین خود وابسته نباشند. معمولاً قدرت تصمیم‌گیری در دست کسی است که هزینه‌ها را می‌پردازد. بهتر است فقیرانه اما خوشبخت زندگی کرد تا اینکه در کاخی زندگی کرد که پولش را والدین داده‌اند و طرفین ازدواج خود را از نظر مالی کاملاً در دام بیابند. والدین اگر می‌خواهند کمکی بکنند، باید به صورت وام باشد، با این شرط که یا وجه آن بازپرداخت خواهد شد یا هیچ وقت قید و شرطی برای آن وجود نخواهد داشت. باید قدر دان بود نسبت به والدینی که مایلند به فرزندانشان در آغاز زندگی‌شان کمک کنند، اما باید کوشید تا در اسرع وقت زندگی را از نظر مالی مستقل ساخت.

احترام به والدین

اما می‌خواهم این نکته را نیز کاملاً روشن کنم که

منظورم به هیچ وجه بی احترامی به والدین نیست. در ده فرمان حکم شده که والدین خود را حرمت بداریم! ما در مقام فرزند، به آنان وابسته ایم و باید مطیع آنها باشیم، اما وقتی ازدواج کردیم و خانواده خود را تشکیل دادیم، دیگر موظف به اطاعت از آنها نیستیم، اما همیشه موظفیم که آنها را «گرامی بداریم». ما با ملاقات آنها، با نظرخواهی از ایشان برای امور دشوار، و با تامین نیازهای شان، می توانیم به آنها احترام بگذاریم (اول تیموتائوس ۵: ۸).

یکی بودن واقعی

زن و شوهر فقط زمانی می توانند فرایند یکی بودن را آغاز کنند که به راستی خانه را ترک کرده باشند. راز نزدیک شدن به یکدیگر، دعا کردن با یکدیگر است. شوهران، همسر خود را در پرستش و دعا هدایت کنید. بیاموزید که عیسی را به اتفاق یکدیگر دوست بدارید. برای

این کار، باید کشف کنید که چه چیزی به شریک زندگی‌تان نشان می‌دهد که دوستش دارید. از یکدیگر بپرسید: «سه چیز را نام ببر که می‌توانم در طول هفته انجام بدهم که سبب می‌شود احساس کنی دوستت دارم!» پاسخ شریک زندگی‌تان ممکن است باعث تعجب‌تان شود، زیرا ما معمولاً عشق خود را به شریک زندگی‌مان آنطور نشان می‌دهیم که می‌خواهیم او به ما نشان دهد و به ندرت به خواسته‌ها و آرزوهای او توجه نشان می‌دهیم. اما وقتی پی بردید که چه چیز سبب می‌شود همسرتان احساس کند که دوستش دارید، آنگاه آن کار را انجام دهید.

خدا می‌خواهد که رفاقت و صمیمیت را در ازدواج تجربه کنید، اما برای تحقق این امر، باید نخست پدر و مادر خود را ترک کنید و نخست به عیسی و بعد به یکدیگر بپیوندید.

بخش سوم

دعوت خدا برای شوهر مسیحی

پولس رسول به تاکید می‌گوید که در ازدواج مسیحی، زن و شوهر هر دو به یکسان نزد خدا با ارزش‌اند: «هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید» (غلاطیان ۳: ۲۸). اما کتاب مقدس در عین حال میان نقش و مسئولیت‌هایی که برای هر یک از طرفین، چه زن و چه شوهر، در نظر گرفته شده تمایز قائل می‌شود. بیایید موضوع فراخوانی و دعوت خدا از شوهران را با یکدیگر بررسی کنیم.

دعوت خدا از شوهران

* خدا شوهران مسیحی را فراخوانده است که عهده‌دار هدایت روحانی خانواده خود باشند (افسسیان ۵: ۲۳، اول قرنتیان ۳: ۱۱، و اول تیموتائوس ۳: ۵۴).

* یک شوهر مسیحی نسبت به خانواده خود منفعل نیست و اجازه نمی‌دهد که خانواده‌اش به انحراف کشیده شود بلکه با دلسوزی به هدایت و راهبری آن می‌پردازد. و با خدمت به همسر و فرزندان‌ش می‌کوشد تا رهبری خادم باشد (متی ۲۰: ۲۵-۲۸).

* چنین شخصی با اطاعت از مسیح و سرسپردگی، هر روز از کلام او هادی خانواده خود می‌شود و به همسر خود اطمینان می‌بخشد که تحت کنترل و هدایت روح‌القدس زندگی می‌کند.

* هر روز خانواده خود را، و مخصوصاً همسرش را، در دعا رهبری می‌کند. هیچ عمل دیگری همچون دعا کردن همسران با یکدیگر نیست که

بتواند آنان را به هم نزدیک و متحد کند.
 * شوهر مسیحی خانواده خود را در رفتن به کلیسا و مشارکت و عبادت جمعی رهبری می‌کند.

* شوهری وفادار به فرزندان خود انضباط می‌آموزد و در برابر آنان از تصمیمات همسر خود حمایت می‌کند.

* شوهری خداترس در تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی رهبری و هدایت خانواده را به دست می‌گیرد. او نه چون یک دیکتاتور بلکه همچون کسی که ارزش دیدگاه‌های همسرش را درک می‌کند و برای آن ارزش قائل است، در فرایند تصمیم‌گیری از این دیدگاه‌ها بهره می‌گیرد و هرگاه در مورد موضوعی توافق آرا وجود نداشته باشد، موضوع را به حضور خدا می‌برد و از همسر خود می‌خواهد که از او پیروی کند.

* شوهری که از فیض مسیح برخوردار است و بر مبنای آن عمل می‌کند کسی است که می‌تواند

نزد همسرش به خطایای خود اعتراف کند و می‌داند چگونه تقاضای عفو و بخشش نماید.

محبتی مسیح‌وار

شوهران مسیحی فراخوانده شده‌اند تا همسران‌شان را محبت کنند آنگونه که مسیح کلیسا را محبت می‌کند. «ای شوهران زنان خود را محبت نمایید، چنانکه مسیح کلیسا را محبت نمود و خویش‌تن را برای آن داد» (افسیان ۵: ۲۵). ای شوهران آیا می‌خواهید بدانید چگونه می‌توانید همسران‌تان را محبت کنید؟ پس مطالعه کنید و ببینید که مسیح چگونه کلیسا را محبت کرد؛ محبت او غیر مشروط بود (رومیان ۵: ۸). شوهران فراخوانده شده‌اند که همسران‌شان را عمیقا محبت کنند و به آنان اطمینان ببخشند که صرف نظر از هر آنچه که ممکن است اتفاق بیفتد، آنان را دوست خواهند داشت و محبت خواهند نمود. محبت عیسی پایان‌ناپذیر بود

(یوحنا ۱۳: ۱). شوهران، بدانید که همسران تان نیازمندند بدانند که تا وقتی مرگ شما را از یکدیگر جدا سازد دوست‌شان خواهید داشت. محبت خداوند و سرور ما جانبازانه و ایثارگرانه بود (رومیان ۵: ۶-۱۱). ای شوهران شما فراخوانده شده‌اید تا نیازهای همسران تان را بر نیازهای خود ارجح و مقدم بدانید و لذات خود را به خاطر آنان فدا کنید. عیسی در کلام و عمل کلیسا را محبت کرد (یوحنا ۱۴: ۳۱). همچنان به عنوان شوهران فراخوانده شده‌اید که با کلام و اعمال محبت‌آمیز با همسران تان برخورد کنید.

اهمیت ابراز محبت

حال برای ابراز محبت نسبت به همسران تان چند راه حل عملی ارائه می‌دهیم. با کلام و اعمال خود به همسرتان بگویید او را دوست دارید و محبت می‌کنید. این نکته حیاتی است که بدانید چه چیزی می‌تواند به همسرتان اطمینان ببخشد که

دوستش دارید و عزیزش می‌دارد. می‌توانید از او بپرسید: «چه کاری می‌توانم بکنم که احساس کنی واقعا دوستت دارم؟» حتی ممکن است از پاسخ همسران غافلگیر و متعجب شوید. همچنین باید به شما گوشزد کنم که همسران‌تان نیازهایی دارند که شما باید آنها را کشف کنید، چرا که ممکن است آنها را مستقیماً با شما در میان نگذارند. اما ممکن است همسران بدین دلیل ناراحت باشد و مدام انتقاد کند که از شما انتظار داشته باشد او را بیشتر بشناسید و نیازهای او را بهتر بدانید. به همین دلیل است که پطرس می‌نویسد باید در شناخت همسران‌مان بیشتر بکوشیم و نیازهای‌شان را بهتر درک کنیم (اول پطرس ۳: ۷).

نیازهای بازگو نشده زنان

حال به برخی از نیازهایی که غالباً زنان آنها را ابراز نمی‌کنند اشاره می‌کنیم:

۱. زنان می‌خواهند در زندگی شوهران‌شان نفر اول باشند.
۲. می‌خواهند بدانند شوهران‌شان به عنوان یک شخص به آنها احترام می‌گذارند و بدان‌ها عشق می‌ورزند.
۳. می‌خواهند بدانند شوهران‌شان آنها را در نقطه ضعف‌های‌شان حمایت می‌کنند.
۴. می‌خواهند بدانند که شوهران‌شان از مصاحبت با آنان لذت می‌برند.
۵. می‌خواهند بدانند شوهران‌شان رازدار و قابل اعتمادند.
۶. می‌خواهند بدانند که شوهران‌شان آنها را تشویق کرده، به آنها کمک می‌کنند تا استعدادهای‌شان را شکوفا سازند.

راه‌هایی برای ابراز محبت

حالا به ذکر چند نکته عملی می‌پردازم که می‌توانید از طریق آن محبت خود را به همسرتان

ابراز کنید:

۱. در کارهای منزل به آنها کمک کنید، مخصوصا وقتی که خسته هستند.

۲. نه تنها در حضور جمع بلکه در خلوت خانه نیز آنان را تقدیر کنید.

۳. همچنین در حضور دیگران از آنان تقدیر و تشکر کنید.

۴. به نیازهای مالی شان رسیدگی کنید (اول تیموتائوس ۵: ۸) و با اضافه کردن نامشان در تمامی حسابهای بانکی و املاک مشترک، اعتماد خود را بدیشان نشان دهید. همچنین به یاد داشته باشید که وصیتنامه‌ای نیز تنظیم کنید.

از یاد نبرید که شما آنچه را درو می‌کنید که کاشته‌اید.

همسران خود را محبت کنید همچنان که مسیح کلیسا را محبت کرد، و آن وقت خواهید دید که

آنان چگونه در فیض و محبت رشد خواهند کرد
و محبت‌شان نیز نسبت به شما افزون خواهد شد.

بخش چهارم

دعوت خدا برای زن مسیحی

پولس رسول می‌نویسد که در روابط میان شوهر و زن در ازدواج مسیحی، سرّی وجود دارد و این سر بیانگر رابطه میان مسیح و کلیسایش می‌باشد. او زن مسیحی را فرا می‌خواند تا درک کند که رابطه‌اش با شوهرش باید بازتابی از رابطه کلیسا با مسیح باشد. این سر وقتی که با نور روح‌القدس منور شد، زمینه را برای درک نقش خاصی که خدا برای زن مسیحی در نظر دارد آماده می‌سازد. با توجه به این نکته، من سه دعوت خاص برای زن مسیحی می‌بینم.

زن مسیحی دعوت شده تا مطیع شوهرش باشد

(افسیان ۵: ۲۲-۲۴؛ ۳: ۳؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ تیطس ۲: ۴-۵؛ اول تیموتائوس ۲: ۹-۱۲؛ اول پطرس ۳: ۱-۶). بسیار اساسی است که درک کنیم منظور کلام خدا از «اطاعت» چیست. اگر درک متعارف از فرهنگ خودمان را از این مفهوم کتاب مقدسی مورد استفاده قرار دهیم، منظور کلام را درک نخواهیم کرد. بسیاری بر این تصورند که اطاعت واکنشی است از سوی شخص ضعیف نسبت به شخص قوی‌تر. چنین درکی واکنش‌های احساسی منفی‌ای به وجود می‌آورد زیرا تجربه فرهنگی ما این است که اطاعت ناشی از ترس یا زور است. این امر باعث می‌شود که ما خود را پایین‌تر و بی‌ارزش به حساب بیاوریم. اما اطاعت در کتاب مقدس معنای دیگری دارد. این اطاعت نخست داوطلبانه است و در پاسخ به محبت ابراز می‌شود. در چارچوب ازدواج

مسیحی، این نوعی اطاعت از مسیح است. اطاعت به این منظور نیست که ما را خوار و خفیف سازد؛ خداوند ما عیسی مطیع خدای پدر، مطیع شریعت، و حتی مطیع والدینش بود. یک زن مسیحی باید نخست خود را مطیع مسیح سازد و سپس نقشی را که مسیح برای او تعیین کرده بپذیرد، یعنی همان واکنشی که کلیسا نسبت به مسیح دارد، او نسبت به شوهرش داشته باشد. همچنین اطاعت به این معنی نیست که زن نتواند افکار و ارزش‌های خود را به شوهرش ابراز کند. به این معنی هم نیست که او در مرتبه‌ای پایین‌تر از مرد باشد. معنی اطاعت این است که باید شوهرش را تشویق کند تا رهبر روحانی خانه باشد و او را در اطاعت به مسیح پیروی کند.

زن مسیحی دعوت شده تا یار باشد

در زبان آذری، این اصطلاح جالب را برای زن به کار می‌برند: «حیات یولداشی» یعنی «دوست

زندگی». زن مسیحی دعوت دارد تا شوهرش را در امر انتظام و اداره زندگی یاری دهد. موفقیت مرد در جنبه‌های مختلف، تا میزان زیادی بستگی به همسرش دارد. زن مسیحی می‌تواند در جنبه‌های کتاب مقدسی زیر، شوهر خود را تکمیل کرده و باعث برکت او شود:

* ایجاد فضایی امن و راحت در خانه (امثال ۳۱):

(۱۱-۱۲)

* دوستی قابل اعتماد و قابل اتکا باشد.

* در خانه، روحیه‌ای امیدبخش و مثبت ایجاد

کند (فیلیپیان ۴: ۴).

* نیازها و انتظارات خود را صادقانه و واضح با

شوهرش در میان بگذارد و در مورد آنها بحث

کند (افسیان ۴: ۲۵).

* به کار و دوستان شوهرش توجه نشان دهد

(فیلیپیان ۲: ۴۳).

* بکوشد تا آنجا که ممکن است زیبا به نظر

برسد (اول پطرس ۳: ۵۳).

* از شوهرش بخواهد تا در تربیت فرزندان شراکت کند (افسیان ۶: ۲۰).

* نشان دهد که برای کار شوهرش ارزش قائل است (رومیان ۱۳: ۱۷).

* نشان دهد به تصمیمات او اعتماد دارد و رهبری او را می‌پذیرد (افسیان ۵: ۲۲).

زن مسیحی دعوت شده تا نیازهای منحصر به فرد شوهر خود را درک کند

مهم است که زن مسیحی خدمت منحصر به فرد خود را نسبت به شوهرش درک کند. او باید بداند که فقط خودش در این موقعیت خاص قرار دارد که شوهرش را از شکست روحانی محافظت کند. او باید با محبت:

* برای او دعا کند زیرا که بهتر از هر کس دیگری ضعف‌های او را می‌داند و می‌تواند برای او شفاعت کند.

* دوستی صادق برای او باشد و مسائلی را به او گوشزد کند که دیگران نمی‌توانند.

* نیازهای جنسی او را درک کند و بداند که این امر چقدر برای او مهم است.

* او را از دام زن‌های دیگر که اهدافی نادرست دارند، حفظ کند.

* به او دربارهٔ نیازهای فرزندان‌شان تعلیم دهد و بگوید که چگونه می‌تواند بیشتر در رفع این نیازها سهیم شود.

* حکمت و درک غریزی خود را با او در میان بگذارد تا تصمیمات نادرست نگیرد.

* نیازهای احساسی او را درک کند و بداند که در چه اوقاتی به استراحت و تنهایی نیاز دارد.

دعوت خدا از زنان مسیحی این است که در روابط خود با شوهرانشان منافع و سلامت روانی فرزندان‌شان را در نظر بگیرند. بهترین راه برای اینکه زن مسیحی محبت خود را به فرزندانش نشان دهد، این است که پدر ایشان را دوست

بدارد. فرزندان روزی خانه را ترک خواهند گفت؛ زنی که روابط درستی با شوهر خود ایجاد کرده، در سالخوردگی تنها نخواهد ماند، بلکه در کنار بهترین دوستش، یعنی شوهرش خواهد بود.

بخش پنجم

کشف روح یگانگی در ازدواج

«از آن پس دو نیستند، بلکه یک جسد»
(مرقس ۱۰: ۸)

در دوره‌ای که خانواده‌ها از سوی ارزش‌های خودمحورانه این دنیا تحت حملات سهمگین قرار دارند، بسیار مهم است که هر خادم خداوند بداند چگونه ازدواج خود را از ویرانی و فروپاشی محفوظ نگاه دارد. همچنین شبان باید بدانند که کسانی که آنها را برای ازدواج آماده می‌کند، چگونه هدایت کند و مشورت دهد، و نیز به آنانی که دست به گریبان مشکلات حاد زناشویی هستند، چه راهنمایی‌هایی عرضه کند. رابطه

زناشویی شما هر چقدر هم خوب باشد، قطعاً از درک عمیق‌تر معنا و مفهوم یکی شدن در ازدواج، برای خدمت‌تان بهره خواهید برد.

ازدواج در مسیحیت رابطه‌ای است استوار بر یک عهد که در آن، یک مرد و یک زن خود را نسبت به یکدیگر برای تمام عمر متعهد می‌سازند. ازدواج سفری است به درازای عمر که در آن خدا به ما فرصت می‌دهد تا بیاموزیم چگونه از فرایند تصفیه‌سازی که تدارک دیده تا ما را به شباهت خود درآورد عبور کنیم و بدینسان بر محبتش توکل نماییم. در قلب این عهد ازدواج، مفهوم کتاب مقدس دربارهٔ «یک بدن شدن» قرار دارد. بعضی به اشتباه تصور می‌کنند که «یک بدن شدن» فقط به رابطهٔ جسمانی زن و شوهر اشاره دارد، اما این مفهوم از این فراتر رفته، شامل رابطه‌ای صمیمی و «دل به دل» می‌شود. این صمیمیت شامل هویتی مشترک است که

طی آن زن و شوهر می‌آموزند که دربارهٔ خود در قالب «ما» فکر کنند، نه «من». خدا در طرح مقدس خود در نظر داشت که زن و مرد در ازدواج، با یکدیگر کاملاً باز و صادقانه زندگی کنند، طوری که هر یک بتواند احساسات و نیازهای خود را با دیگری در میان بگذارد. کمال مطلوب الهی این بود که هر فردی در شخصیت همسر خود، فردی امن را بیابد که بتواند با او «خودش» باشد و هر دو یکدیگر را در جهت بلوغ روحانی ترغیب نمایند. صمیمیت زمانی پیش می‌آید که دو طرف از وجود یکدیگر امنیت بیابند؛ به گونه‌ای که از ابراز نیازهای عاطفی و جسمانی خود احساس آسیب‌پذیری نکنند.

فاجعه

فاجعه اینجاست که بسیاری از زوجها در ازدواجی زندگی می‌کنند که از نظر عاطفی مرده است. برای بسیاری ازدواج تبدیل شده به امری ظاهری

که آن را فقط برای حفظ ظاهر نگه داشته‌اند؛ ازدواجی که دو فردِ کاملاً تنها را در خود جای داده که از لحاظ عاطفی گویی در حالت طلاق قرار دارند. هدف من از نگارش این مقاله این است که به ازدواج‌های جریحه‌دار شده امید بدهم و تشویق‌شان کنم که به بنیادهای ازدواج مسیحی بازگردند.

راه شفا

پر بودن از روح القدس

راه به سوی شفا باید از قلب ما آغاز شود. درست گفته‌اند که اگر کسی می‌خواهد ازدواجش موفق باشد، اغلب اوقات خودش می‌تواند نگرش‌های جدیدی را به کار گیرد که قادرند تمام ازدواج را دگرگون کنند. نخستین گام، تسلیم شدن به مسیح است. پولس این اندرز را هم به شوهران می‌دهد و هم به زنان. «همدیگر را در خداترسی اطاعت کنید» (افسیسیان ۵: ۲۱). واقعیت این

است که زخمی که شخص از یک ازدواج دردناک احساس می‌کند، عمیقا بر رابطه‌اش با خدا تاثیر می‌گذارد. بنابراین، راه بازگشت به سوی قلب همسرمان، از قلب خودمان آغاز می‌شود. درست همان‌گاه که خداوند را می‌جوئیم و از او می‌خواهیم که ما را تفتیش کند و پاک سازد (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴). وقتی در روح احیا شدیم، پی خواهیم برد که روح خدا مخزنی است بی‌پایان از محبت و فیض که قلب خود ما را پر ساخته تا محبتی جدید نسبت به همسرمان (یعنی شوهر یا زن) در ما ایجاد کند. آنچه که در اکثر ازدواج‌ها رخ می‌دهد، این است که برای احیا شدن، به محبت همسرمان تکیه می‌کنیم، و وقتی محبت لازم را ندیدیم، سرخورده و نومید می‌مانیم. وقتی احساس خلاء می‌کنیم، به دلسوزی برای خویشتن و خشم پناه می‌بریم. به همین جهت، بسیار حیاتی است که بدانیم چگونه از روح‌القدس پر باشیم.

گذشت و بخشش

جراحت و نبخشیدن، دو دشمن مهلک برای صمیمیت در ازدواج هستند. پولس ما را ترغیب می‌کند تا خطاهای هر روز را همان روز ببخشیم: «خورشید بر غیظ شما غروب نکند» (افسیان ۴: ۲۶). چه آسان است که بگذاریم زخم‌های کوچک در قلب‌مان آشیانه کنند و مواهب روح یگانگی را از ما بربایند. آنگاه که مایل نیستیم با یکدیگر دعا کنیم یا دوست داریم وقت‌مان را با چیزهای دیگر صرف کنیم، درست همان زمان است که نیاز داریم همسرمان را ببخشیم. اگر قرار است که شوهران زنان خود را دوست بدانند، به همان گونه که مسیح کلیسا را دوست داشت، پس وظیفه آنهاست که برای مصالحه پیش‌قدم شوند. این به آن معنا نیست که تقصیر همیشه به گردن ایشان است، بلکه به این معناست که آنها باید برای شفا دعا کنند و با فروتنی ارتباط را با زنان خود برقرار کنند. وقتی به خدا نزدیک

می‌شویم و او نیز به ما نزدیک می‌شود (یعقوب ۴: ۸)، ما نیز در این یقین رشد می‌کنیم که نسبت به عهد ازدواج‌مان، با مشکلاتی مواجه بودیم. هیچگاه آن روز را فراموش نمی‌کنم که من و همسر هر دو مجدداً با یکدیگر عهد وفاداری بستیم و به یکدیگر قول دادیم که تا روزی که زنده هستیم، نه فقط زن و شوهر، بلکه دوست نیز باشیم! پی بردن به این نکته برای‌مان بسیار اهمیت داشت زیرا ما را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخت تا صمیمیت واقعی را کشف کنیم.

خدمت به یکدیگر

نکته دیگری که باید کشف کرد، این است که ازدواج باید خدمتی دو جانبه باشد. همانطور که مسیح ما را خدمت کرد، زن و شوهر نیز باید به یکدیگر خدمت کنند (فیلیپیان ۲: ۴۳). اکثر اوقات، ما به نیازهای آشکار خود می‌اندیشیم و به اینکه چگونه همسرمان آنها را برآورده

نمی‌سازد. و با بیشتر شدن سرخوردگی‌مان، متوجه می‌شویم که بیش از پیش دچار روحیه انتقاد و ستیزه‌جویی می‌شویم. این یک واقعیت انسانی است، اما دعوت خدا این است که برای کسب نیرو به او نزدیک شویم و سپس بکوشیم به جای فکر کردن به نیازهای خود، به نیازهای همسرمان بیندیشیم و به بهترین وجه در جهت برآورده ساختن آنها تلاش کنیم. آقایی که در آستانهٔ طلاق بود و از شبانش مشورت خواسته بود، این روش را به کار برد. آنچه او می‌خواست این بود که شبانش تایید کند که جدایی او از همسرش کاری درست است. شبان دانا پاسخ داد: «پیش از اینکه نظرم را راجع به ازدواجت به تو بدهم، می‌خواهم روشی را برای دو هفته آزمایش کنی. می‌خواهم برای دو هفته وانمود کنی که همسرت را دوست داری و فقط کارهایی را بکنی که یک شوهر عاشق برای همسرش انجام می‌دهد. بعد بیا و مرا ببین.» دو هفته

گذشت و از آن آقا خبری نشد. بالاخره شبان به او تلفن کرد و پرسید که از مسئله طلاقش چه خبر هست. آقا گفت: «چه می‌گویید؟ من عاشق این زن هستم!»

يك فرمول ساده

اگر می‌خواهید این را آزمایش کنید، فرمول کوچکی را به شما پیشنهاد می‌کنم که به خودم کمک کرده است:

* حتما هر روز به نحوی باعث برکت همسرتان (شوهر یا زن) بشوید؛ کار غیر منتظره‌ای بکنید تا محبت و توجه خود را به او نشان دهید.

* همسر خود را با کلماتی تشویق‌آمیز بنا کنید. اکثر اوقات، گفتگوی دو طرف بیشتر شبیه امر و نهی‌های نظامی است تا سخنان شیرین دو عاشق.

* همسرتان را مورد مطالعه قرار دهید. پطرس رسول می‌فرماید: «ای شوهران، با فطانت با

ایشان زیست کنید» (اول پطرس ۳: ۷). این بدان معناست که ضعف‌های ایشان را کشف کنید و به ایشان در جهت رفع آنها یاری دهید.

* هر روز بکوشید تا از نظر عاطفی به همسرتان نزدیک بمانید. با یکدیگر دعا کنید. به چشمان طرف مقابل خود نگاه کنید و ببینید که چه احساسی در او هست. وقت بگذارید تا به حرف‌های یکدیگر گوش دهید و ببینید در زندگی یکدیگر چه می‌گذرد.

با برخورداری از یک زندگی نزدیک با مسیح و خدمت فروتنانه به یکدیگر، خدا تجربیات بیشتری به شما خواهد آموخت تا با یکدیگر «یک‌تن» بشوید.

بخش ششم

مشکلات ازدواج و نشانه‌های آن

ازدواج رابطه‌ای است زنده و پویا میان مرد و زن و به واسطهٔ چندین نیروی بیرونی استحکام می‌یابد. نخست آنکه پیمانی که هر دو طرف با مسیح در روز ازدواج بستند، یادآوری است دائمی بر این حقیقت که ازدواج را خدا بنیاد نهاده و مرد و زن باید تا زمان مرگشان آن را محترم بدارند. دوم، محیط خانواده وسیله‌ای است برای یادآوری این حقیقت که شرافت خانواده چقدر مهم است و هر دو طرف باید نهایت کوشش خود را بکنند تا پیوند ازدواج را مستحکم نگاه دارند. بنابراین برای آنانی که مسیح را در کلیسا خدمت می‌کنند، این یادآوری هولناک وجود دارد که شکست در ازدواج می‌تواند به معنی پایان خدمت

شخص باشد. از آنجا که این نیروها بسیار واقعی هستند، همه متاهلین می‌دانند که آنچه باعث استحکام ازدواج‌شان می‌شود، محبت به یکدیگر است. حتی اگر ازدواج با عشق و محبت آغاز نشده باشد، باید با عشق و محبت حفظ شود. این محبت به گونه‌ای حیرت‌انگیز در اول قرن‌تیان، فصل ۱۳، توصیف شده است. محبتی که در این قسمت شرح داده شده، نشان می‌دهد که محبت الهی اگر جسم بپوشد، چگونه خواهد بود. ای کاش همه متاهلین این آیه‌ها را حفظ می‌کردند و محبت خود را نسبت به یکدیگر مطابق آنها ابراز می‌داشتند!

به همان شکل که در پیوند زناشویی، زمان لازم است تا طرفین بیاموزند که یکدیگر را دوست بدارند، برای فروپاشی آن نیز زمان لازم است. واقعیت غم‌انگیز این است که بعضی از افرادی که این سطور را می‌خوانند، دارای روابط زناشویی ای

هستند که در ورطهٔ مشکلات عمیقی قرار دارد، اما خودشان یا از آن آگاه نیستند، یا واقعیت را نمی‌پذیرند. بنابراین، می‌خواهم نشانه‌هایی را مطرح کنم که دال بر وجود مشکلات در زندگی زناشویی است، به این امید که پیش از آنکه دیر شود، شخص از خدا و مشاوران خداترس مشورت بطلبد.

زمانی که دیگر نمی‌توانید با یکدیگر دعا کنید یا خدا را بپرستید

شکی نیست که بعضی از زوجها هرگز به اتفاق هم دعا نکرده‌اند. لذا توصیهٔ صمیمانهٔ من به آنها این است که فوراً دست به کار شوند. اگر تنها یک راه برای حفظ یگانگی روح میان زوجها وجود داشته باشد، آن دعا کردن با یکدیگر است. وقتی حاضر نیستند با یکدیگر دعا کنند، این امر نشانهٔ آن است که شکافی عمیق در روابطشان وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که در دل طرفین

مسائلی هست که آنها را از هم جدا می‌کند، مگر آنکه با آنها مواجه شوند و آنها را به حضور خداوند و به حضور یکدیگر بیاورند.

زمانی که دیگر رابطه جنسی وجود ندارد

کتاب مقدس این نکته را روشن‌تر از این نمی‌تواند بیان کند: «شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را... از یکدیگر جدایی مگزینید مگر برای مدتی به رضای طرفین» (اول قرن‌تیان ۷: ۵۳). هرگاه شوهر یا زن، طرف مقابل را از رابطه جنسی محروم می‌کند، اغلب علتی روحی یا احساسی وجود دارد. منظورم آن اوقاتی نیست که بیماری یا بارداری باعث می‌شود که رابطه جنسی موقتا مختل شود؛ مقصودم نبودن محبت و توجهی است که هر نوع احساسی را از میان می‌برد.

زمانی که طرفین عمداً از یکدیگر کناره می‌گیرند

زمانی که مشکلاتی در ازدواج پیش می‌آید، طرفین می‌کوشند تا سر حد امکان از یکدیگر کناره بگیرند. مرد شروع می‌کند به ماندن بیشتر در محل کار و زن شروع می‌کند به گذراندن وقت بیشتر با دوستان و خانواده‌اش. زمانی بود که طرفین در آرزوی دیدار یکدیگر بودند و هر برنامه‌ای را تغییر می‌دادند تا با هم وقت بگذرانند، اما اینک چیزی جز سردی باقی نمانده است.

زمانی که شخص نسبت به افراد جنس مخالف حالتی منفی دارد

هرگاه شخصی دربارهٔ جنس مخالف نظری منفی ابراز می‌کند، این نشانهٔ وجود مشکلات در زندگی زناشویی اوست.

زمانی که شخص وقت زیادی را روی دوستی‌های جدید، جدا از همسر خود، سرمایه‌گذاری می‌کند

وقتی ازدواج با شکست مواجه می‌شود، طرفین می‌کوشند دوستان جدیدی بیابند تا خلاء زندگی‌شان را پر کنند. آنها گرایش پیدا می‌کنند کسانی را بیابند که فکر می‌کنند رفتار و عمل‌شان را درک و حتی تایید می‌کنند که حق دارند از همسر فعلی‌شان ناخشنود باشند. آنچه که زوجها در چنین شرایطی نیاز دارند، دوست خوبی است که هر دوی ایشان را دوست داشته باشد و همچون چسبی احساسی، هر دو را به یکدیگر پیوند دهد.

زمانی که افسردگی وارد میدان زندگی شده است

افسردگی اغلب نتیجه شکستی بزرگ است. وقتی یک زوج که زمانی از وجود یکدیگر شاد

بودند، دیگر نه با یکدیگر دعا می‌کنند و نه با هم ارتباط عاطفی و فیزیکی دارند، لاقلاً در یکی از آنان احساس شکست و فقدان عمیق ایجاد می‌شود. این شکست در واقع خشمی است که فروخورده می‌شود به علت اینکه شخص نمی‌تواند تلاش بیشتری برای بهبود وضع بکند، یا خشمی است که بیرون و به سوی طرف مقابل ریخته می‌شود چون در قلب خود را به روی او بسته است. علت هرچه باشد، افسردگی مسئله‌ای است جدی، زیرا اگر مطابق راه خدا با آن برخورد نشود، ممکن است کار به اعتیاد یا بیماری‌های جسمی یا خودکشی بکشد. افسردگی منتهی به انفعال و بی‌حرکی عاطفی و جسمی می‌شود، آن هم درست در زمانی که تحرک مورد نیاز است. شخص افسرده در معرض این وسوسه قرار دارد که در رنج خود منفعل و بی‌تحرک باقی بماند، در حالی که آنچه که بیش از هر چیز بدان نیاز دارد، این است که فعالانه از خدا اطاعت کند تا بتواند

بر افسردگی غلبه یابد. عدم تحرک باعث تشدید پریشانی می‌شود اما اطاعت از خدا، امید و نیروی جدیدی را در روابط پدید می‌آورد. اگر در زندگی زناشویی تان دچار افسردگی شده‌اید، بکوشید آن نوع شوهر یا زنی شوید که خدا می‌خواهد؛ آنگاه شروع به دیدن تغییر و امید می‌کنید. در اغلب موارد، اگر یکی از طرفین شروع به جستجوی خدا کند و آنچه را که در نظر او درست است انجام دهد، طرف دیگر نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد و تغییر شروع به پدیدار شدن می‌کند.

زمانی که طرفین جدا از هم زندگی می‌کنند

وقتی زوجی تصمیم می‌گیرند که از یکدیگر جدا زندگی کنند، پیام‌شان عملاً این است که دردی که می‌کشند آن قدر زیاد است که دیگر نمی‌توانند به پیمان‌شان با خدا و آنچه که برای فرزندان‌شان مناسب است، و آنچه که خویشان‌شان فکر

می‌کنند، توجهی نشان دهند. در این شرایط، رهایی از رنج برای ایشان مهم‌ترین موضوع می‌شود. زندگی به صورت جداگانه الزاما به این معنا نیست که ازدواج خاتمه یافته است؛ برعکس، می‌تواند دوره‌ای باشد برای تفکر بیشتر و یافتن نیروی روحانی جدید برای آغاز مجدد، توبه و احیای الهی، رویارویی با قصورات خویش‌تن در ازدواج و شروعی مجدد با فروتنی. واقع‌بینانه نیست که فکر کنیم طرفین می‌توانند از همان جا که از یکدیگر جدا شدند، مجدداً زندگی را از سر گیرند و فکر کنند که چیزی عوض نشده است. قویا توصیه می‌شود که زوجی که از یکدیگر جدا زندگی کرده‌اند، نزد مشاور مسیحی بروند و مدتی با یکدیگر نیز به تنهایی قرار ملاقات بگذارند. با مشورتی الهی، باید جلسات خصوصی برای تجدید عهد تشکیل دهند و پس از آن زندگی مشترک را از سر گیرند.

نحوه مواجهه با درگیری‌ها

حال که نشانه‌های وجود مشکلات در زندگی زناشویی را از نظر گذرانندیم، شاید سودمند باشد که کلامی درباره‌ی مواجهه‌ی زوجین با درگیری‌ها بگوییم. برای بسیاری، آسان‌ترین راه به هنگام بروز مشکلات زناشویی، فرار است. اما این بزدلانه‌ترین کاری است که شخص می‌تواند انجام دهد و معمولاً بدین معنا است که او مایل نیست راه حلی برای مشکلات بیابد و خالی کردن میدان را ترجیح می‌دهد. بعضی دیگر ممکن است روش نظامی را در پیش بگیرند و سعی کنند با زورگویی، تهدیدات مالی، یا بازی با احساسات طرف مقابل، او را تحت کنترل درآورند. معمولاً این روش جز بدتر کردن اوضاع نتیجه‌ای ندارد. بعضی دیگر نیز هستند که می‌کوشند و انمود کنند که مشکلی وجود ندارد و فکر می‌کنند مشکل خود به خود برطرف خواهد شد. اما متأسفانه این روش‌ها از دعوت کتاب مقدس برای

رویارویی با گناه و کشف ریشه مشکلات بسیار دور است. این روش‌ها مانع از آن می‌شوند که خدا شفایی واقعی و ماندگار به ارمغان بیاورد. اگر ازدواج‌تان دچار مشکل است، نخست با آن مواجه شوید و برای دریافت کمک نزد خدا بروید؛ آنگاه به یک مشاور مسیحی مورد اعتماد مراجعه کنید که به شما و همسرتان کمک کند تا به روشی الهی با یکدیگر مصالحه کنید.

بخش هفتم

عادات ازدواج موفق

ازدواج می‌تواند سایه‌ای از بهشت بر روی زمین باشد، یا می‌تواند میدان نبردی سخت میان خواسته‌های طرفین باشد و زخم‌های عمیقی بر جای بگذارد. ازدواج می‌تواند شادی و احساس ثمربخشی فراوانی به زندگی و خدمت ما بیاورد، یا می‌تواند همچون سرطانی روحانی باشد که تندرستی و شادی‌مان را تحلیل ببرد. اکثر زوج‌هایی که در مقابل محراب می‌ایستند و نسبت به خدا و یکدیگر متعهد می‌شوند، اعتقاد دارند که ازدواج‌شان پر سعادتمند و همراه با عشق و احترام متقابل خواهد بود. واقعیت این است که ازدواج موفق به خودی خود به دست نمی‌آید، بلکه نتیجه تلاش سخت و بلوغ روحانی

است. اکنون بیش از سی سال است که زوجها را برای ازدواج آماده می‌کنم و مطالعه دقیق بر روی عادات آنانی داشته‌ام که ازدواج‌شان موفقیت‌آمیز بوده است. اعتقاد من بر این است که هر احساسی که نسبت به موفقیت یا شکست ازدواج‌تان دارید، اگر شروع کنید به پیاده کردن این عادات روحانی، شاهد نیرو و شادی نوینی در رابطه‌تان خواهید بود.

با هم از خداوند بهره ببرید

رمز ازدواج سعادت‌مند، درک این حقیقت است که ازدواج مسیحی رابطه‌ای است سه طرفه. «اگر کسی بر یکی از ایشان حمله آورد، هر دو با او مقاومت خواهند نمود. و ریسمان سه لا به زودی گسیخته نمی‌شود» (جامعه ۴: ۱۲). زمانی که زن و شوهر، خداوند ما عیسیای مسیح را در ستایش و پرستش بر می‌افرازند، خداوند خودش در آنجا حضور می‌یابد تا آرامش و شادی

بیاورد. زن و شوهر هر چقدر به مسیح نزدیک‌تر باشند، به یکدیگر نیز نزدیک‌تر خواهند بود و هر چقدر از خداوند دور شوند، فاصله‌شان از یکدیگر نیز بیشتر خواهد شد. اگر این حقیقت را درک کنیم، پی خواهیم برد که بهترین نیروی محافظ برای ازدواج، این است که با یکدیگر از خداوند بهره ببرند. کلام خدا ما را تشویق می‌کند که با یکدیگر از حضور خدا لذت ببریم: «به حضور تو کمال خوشی است» (مزمور ۱۶: ۱۱). هر روز وقتی را صرف عبادت خداوند با یکدیگر کنید. با اختصاص دادن وقتی برای دعا با یکدیگر، با حمد به صحن‌های او داخل شوید. من و همسر من این را هدف خود قرار داده‌ایم که هر روز را با دعا شروع کنیم و با دعا نیز خاتمه دهیم. با یکدیگر در جلسات کلیسا شرکت کنید و در کنار هم، دل خود را در عبادت خدا برافرازید، و به این ترتیب در عبادت جمعی نیز از حضورش لذت ببرید. من متوجه شده‌ام که بعد از هر عبادت، به همسر من

نزدیک تر می شوم.

با یکدیگر از کلام خدا لذت ببرید!
 «شهادت تو را تا به ابد میراث خود ساختم
 زیرا که آنها شادمانی دل من است» (مزمور
 ۱۱۹: ۱۱۱).

وقتی در کلام خدا نکته‌ای را می‌خوانید که
 قلب‌تان را لمس می‌کند، آن را با همسر خود در
 میان بگذارید. الان سالهاست که من و همسر
 می‌کوشیم که یک بخش واحد از کلام خدا را در
 عبادت شخصی خود بخوانیم و آنچه را که خدا به
 ما گفته است، با هم در میان بگذاریم. کلام خدا
 شمشیر دو لبه است و اغلب قلب ما را می‌زرد و ما
 را بر آن می‌دارد تا با هم در حضور خدا به گناهان
 خود اعتراف کنیم؛ اما این کار باعث می‌شود که
 به یکدیگر نزدیک تر شویم.

از کارهای خدا لذت ببرید!

«زیرا که ای خداوند مرا به کارهای خودت شادمان ساخته‌ای. به سبب اعمال دست‌های تو ترنم خواهم نمود» (مزمور ۹۲: ۴).

وقتی می‌بینید که خدا در زندگی یا خدمت‌تان عمل می‌کند، آن را با همسر خود در میان بگذارید. وقتی با یکدیگر دعا می‌کنید و از او می‌خواهید که به طور خاص در شما و از طریق شما کار کند، شهادت‌های بسیاری خواهید داشت که با یکدیگر در میان بگذارید. وقتی من مشغول موعظه هستم، همسر من اغلب برای من دعا می‌کند. و من وقتی کار خدا را می‌بینم، نمی‌توانم به او تلفن نکنم و این را به او نگویم. با این کار، شادی ما در خداوند عمیق‌تر می‌شود.

از حضور یکدیگر لذت ببرید

یکی از لذت‌های بزرگ در ازدواج این است که کشف کنید کسی هست که از بودن با شما

لذت می‌برد. هیچگاه نمی‌توانم فراموش کنم چه شادی‌ای به من دست داد وقتی پی بردم که همسر مرا دوست دارد و می‌خواهد با من وقت بگذرانند. بدبختانه، با گذشت زمان بسیاری از ازدواج‌ها به خاطر اینکه طرفین حضور یکدیگر را بدیهی می‌شمارند، طراوت خود را از دست می‌دهد. لذا امری اساسی است که ازدواجی سالم بماند و طرفین راه‌هایی بیابند تا به یکدیگر بگویند که از بودن با یکدیگر شادند. هر زن و هر شوهری باید بداند که چه چیزی باعث می‌شود که طرف مقابل احساس کند فردی خاص است؛ به این منظور باید تشخیص دهند که «زبان عشق» طرف چیست و این زبان را به کار ببرند. متداول‌ترین «زبان عشق» این است که شخص عشق خود را با اختصاص دادن وقت به طرف مقابل، کمک کردن، هدیه دادن، یا ابراز محبت نشان دهد. مشکل این است که ما برای ابراز عشق خود، از «زبان عشق» خودمان استفاده

می‌کنیم و بعد تعجب می‌کنیم که چرا طرف مقابل متوجه تلاش‌های ما نیست. مهم این است که کشف کنیم طرف مقابل ما چه نوع وسیله ارتباطی را ارزشمند می‌داند. وقتی «زبان عشق» یکدیگر را آموختید، آنگاه می‌توانید از ته دل با یکدیگر ارتباط برقرار کنید. نشانه ازدواج موفق، عمق شادی‌ای است که زن و شوهر در یکدیگر می‌یابند.

از خدمت مشترك به مسیح لذت ببرید

کسانی که ازدواجی موفق دارند، خود را در مرکز زندگی قرار نمی‌دهند، بلکه خدمت به دیگران را. با این حال، باید مراقب بود که میان توجه به خویش و خدمت به دیگران از افراط و تفریط اجتناب شود و در این زمینه تعادل برقرار باشد. این امکان هست که خدمت به دیگران آنقدر وقت زن یا شوهر را بگیرد که وظایف خانوادگی را مختل کند. این خداوند را خرسند نمی‌کند.

اولویت‌های کتاب مقدس روشن است؛ اول خداوندگاری مسیح مطرح است، بعد خانواده، و بعد کلیسا، و سرانجام جهان. وقتی زوجی خدا را در روابط خود تکریم می‌کنند، سپس می‌توانند به دیگران برسند و با انگیزه‌های درست خدمت کنند. اما اگر خدمت به دیگران جایگزینی برای فقدان عشق در خانواده باشد، یا تلاشی باشد برای کسب احساس ارزش از طریق جلب تایید دیگران، این امر ممکن است لطمه زیادی به زندگی بزند. وقتی می‌بینیم که یکی از طرفین ازدواج به تنهایی خدمت می‌کند، متوجه می‌شوم که مشکلی در خانواده هست. شادی واقعی زمانی فرا می‌رسد که طرفین مشتاق باشند به اتفاق هم خدمت کنند زیرا به این ترتیب نشان می‌دهند که در ازدواج‌شان یگانگی روح برقرار است. وقتی به سال‌های طولانی از خدمت‌م نگاه می‌کنم، پی می‌برم که یکی از بزرگ‌ترین شادی‌هایم این بوده که پتی، همسرم، در کنار من بوده و از هیچ

تلاشی برای کمک به من فروگذار نکرده است. خدمت کردن با یکدیگر، برای ما شادی بزرگی به همراه آورده است.

هرگاه مطلبی می‌خوانم که باعث برکت می‌شود، آن را با همسرم در میان می‌گذارم. برخی از بهترین اوقات ما زمانی بوده که کتابی را برایش خوانده‌ام و بعد درباره آن بحث کرده‌ایم. شما را تشویق می‌کنم که این مقاله کوچک را با همسرتان بخوانید و درباره مسائلی که می‌تواند به شما کمک کند تا شادی بیشتری وارد زندگی مشترک‌تان کنید، به بحث و تبادل نظر پردازید.

بخش هشتم

نگرش کتاب مقدس نسبت به طلاق

امروزه بسیاری از ازدواج‌ها دچار مشکل است و شبانان خود را در مشکلات این خانواده‌های زخم‌دیده درگیر می‌بینند، اما تعداد کمی از آنان خود را برای حل مسائل مجهز می‌یابند. در این شرایط، احساسات طرفین درگیر بسیار پرتنش است و این امر جای کمی برای منطق و راه‌حل‌های کتاب مقدسی برای بحران باقی می‌گذارد. خانواده‌ها و دوستان نیز اغلب زوج درگیر را تحت فشار قرار می‌دهند که از هم جدا نشوند بدون اینکه به ریشه مشکلات بپردازند؛ این خود سبب می‌شود که زخم و خشم بیشتری انباشته شود. در این شرایط، شبان چه باید بکند؟ خدا چه امیدی ارائه می‌دهد؟

بسیار ضروری است که نخست بدانیم تعلیم کتاب مقدس در خصوص طلاق چیست. گرچه غیرممکن است که بتوان فرمولی ارائه داد که در تمامی موارد کاربرد داشته باشد، اما می‌توانیم آن دسته از اصول کتاب مقدس را بررسی کنیم که عمومی و فراگیر هستند؛ وقتی به این اصول و تعالیم مجهز شدیم، می‌توانیم به خدای روح القدس اعتماد کنیم که ما را هدایت کند و به کار ببرد.

ماهیت ازدواج

نخست باید به ماهیت منحصر به فرد ازدواج بپردازیم چرا که آن را خدا برای تمامی بشر و برای اهدافی خاص مقرر فرمود.

۱. رفاقت: خدا دید که آدم تنهاست و اعلام داشت که این تنهایی خوب نیست (پیدایش ۲: ۱۸).
۲. خوشی و صمیمیت: خدا خوشی رابطهٔ جنسی

را برای بشر مقرر فرمود و آن را در محدوده ازدواج، نیکو اعلام داشت (عبرانیان ۱۳: ۴).

۳. با هم در صورت خدا: زن و مرد با هم صورت خدا را منعکس می‌کنند (پیدایش ۱: ۲۷) و ازدواج وسیله‌ای است برای تقدیس متقابل.

۴. تولید مثل: خدا ازدواج را مقرر فرمود تا فرزندان تولید شوند و در محبت او پرورش یابند (پیدایش ۱: ۲۸).

۵. تصویر مسیح و کلیسایش: ازدواج باید تصویری باشد از ارتباط پرمحبت و پرشکوه میان مسیح و «عروسش» که در آن، شوهر همسر خود را همانطور محبت می‌کند که مسیح کلیسا را محبت نمود (افسیسیان ۵: ۳۱-۳۳).

ازدواج يك «عهد» است

در ملاکی ۲: ۱، خدا اعلام می‌کند که از طلاق متنفر است. برای درک علت این تنفر باید نخست هسته مرکزی تعلیم درباره ازدواج را

بررسی کنیم. ازدواج «قرارداد» نیست، بلکه «عهد» است. قرارداد برای این منظور نوشته می‌شود تا حقوق طرفین را در صورت عدم اجرای تعهدات حفظ کند؛ قرارداد ممکن است سندی مشروط باشد. به عبارت دیگر، در یک قرارداد، هر طرف متعهد می‌شود به تعهدات خود عمل کند تا زمانی که طرف مقابل نیز چنین کند. اما عهد بر اساس پاسخگویی به خدا بسته می‌شود، و بدون توجه به اینکه طرف دوم چه می‌کند، طرف اول باید به تعهدات خود عمل کند (ملاکی ۲: ۱۴). از این‌روست که طرفین ازدواج زمان جاری شدن عقد می‌گویند: «تا مرگ ما را از هم جدا کند»؛ حلقه ازدواج نیز مظهر این عهد بدون خاتمه است. از آنجا که خدا ازدواج مسیحی را مقرر ساخته تا بازتابی از عهد خودش با کلیسا باشد، متنفر است ببیند که آن با شکست روبرو می‌شود.

سایر علل نفرت خدا از طلاق

* ضرورت فروتنی: دلایل دیگری برای تنفر خدا از طلاق وجود دارد؛ یکی آن است که او می‌داند که اکثر ازدواج‌های مسیحی می‌توانند از شکست نجات یابند اگر شوهر و زن خود را در مقابل او فروتن سازند و احکامی را که او در کلام مقدسش تعیین فرموده رعایت کنند. ملاکی با اندوه می‌گوید: «خداوند شما را با یکدیگر پیوند داد و شما در نظر او یک تن شدید... پس مواظب باشید که به همسر خیانت نکنید» (ملاکی ۲: ۱۵ ترجمه تفسیری).

* رابطه با خدا: رابطه زناشویی همیشه منعکس‌کننده سلامت روحانی زن و شوهر است. هر چقدر آنها به خدا نزدیک‌تر شوند، با یکدیگر نیز صمیمی‌تر خواهند شد (اول یوحنا ۴: ۱۲). عکس این نیز صادق است؛ یکی از نخستین نشانه‌های تضعیف رابطه ازدواج، کمبود اشتیاق برای دعا کردن با هم و پرستش خدا به صورت

دو نفری است. آدم و حوا وقتی گناه کردند، خود را از خدا و از یکدیگر پنهان ساختند.

* پیوندی جدانشدنی: علت دیگر نفرت خدا از طلاق مربوط به ماهیت ازدواج می‌شود. عیسی دربارهٔ ازدواج فقط یک‌بار تعلیم داد، اما همان یک مورد حاوی اساسی‌ترین حقیقت در این زمینه است. او فرمود: «از آن جهت باید مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش بپیوندد، و این دو یک تن خواهند بود، چنانکه از آن پس دو نیستند بلکه یک جسد. پس آنچه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند» (مرقس ۱۰: ۹۷). ازدواج طوری مرد و زن را به هم پیوند می‌دهد که دیگر نمی‌توانند از یکدیگر جدا شوند مگر با لطمات فراوان. مانند این است که دو تکه کاغذ را با چسب به هم بچسبانیم و بعد بخواهیم آنها را از هم جدا کنیم. این جداسازی به درستی انجام نخواهد شد چون هر دو کاغذ پاره می‌شوند. طلاق قلب و زندگی زن و مرد را پاره می‌کند و

زخم‌هایی جبران‌ناپذیر بر جای می‌گذارد.

* ننگ روحانی: و بالاخره، باور من این است که طلاق باعث لکه‌دار شدن نام خداست زیرا با این کار می‌پذیریم که نجات‌دهنده بزرگ و پادشاه ما قادر نبود که دو تن از فرزندان خود را شفا بخشد و در کنار هم نگاه دارد. ازدواج از هم پاشیده، هم خانواده را تضعیف می‌کند و هم کلیسا را که عروس مسیح است. عزیزان، دعوت ما این است که به ازدواج‌های شکست‌خورده امید ببخشیم و این امید از خود مسیح ناشی می‌شود که ما را فرا می‌خواند تا نزد او برویم. «بیایید نزد من ای تمام زحمت‌کشان و گرانباران (از مشکلات ازدواج) و من شما را آرامی خواهم بخشید» (متی ۱۱: ۲۸).

توجه به این نکته مهم است که خدا از طلاق متنفر است اما نه از کسانی که طلاق گرفته‌اند؛ و کلیسا باید طرح و برنامه‌ای داشته باشد برای شفا و راهنمایی کسانی که طلاق گرفته‌اند. بخشی از مسئولیت کلیسا این است که بداند این طرح

چیست و مطمئن شویم که تعلیم کتاب مقدس در مورد طلاق را به دقت درک کرده‌ایم.

علت اختلاف نظر در مورد طلاق

بسیاری از مسیحیان صادق در مورد تعلیم کتاب مقدس در خصوص طلاق و ازدواج مجدد اختلاف نظر دارند و علت این است که شاید ما با مسئله طلاق بیشتر از دیدگاه فرهنگی خودمان برخورد کنیم تا بر اساس درک درست از کتاب مقدس. این احتمال نیز وجود دارد که به هنگام مواجهه با اشخاص واقعی که در ازدواج خود دچار مشکل هستند، احساسات و عواطف خودمان نیز در دیدگاهمان دخیل شود. لذا باید آگاه و هشیار باشیم که در خواندن و تفسیر کتاب مقدس دو روش نادرست وجود دارد. یکی این است که «ندانیم» چه تعلیم می‌دهد و به نتیجه‌گیری‌های اشتباه برسیم؛ دیگری این است که به آنچه می‌گوید «چیزی بیافزاییم» و به

نتیجه‌گیری‌های دلخواه خود برسیم. امیدوارم به واسطه مطالعه بخش‌هایی از کتاب مقدس که به مسئله طلاق می‌پردازند، رهنمودی در اختیارتان قرار دهم و کمکی باشم تا به نتیجه‌گیری درستی مبتنی بر کتاب مقدس دست یابید.

سه دیدگاه در مورد طلاق

پیش از آغاز این بررسی، ضروری است سه دیدگاه مختلف را که در کلیساها وجود دارد مورد اشاره قرار دهیم:

بعضی معتقدند که خدا طلاق و ازدواج مجدد را به هیچ علتی نمی‌پذیرد. با چنین برداشتی، فقط مرگ می‌تواند به یک ازدواج خاتمه ببخشد؛ در آن صورت، طرفی که زنده مانده، مجاز است که مجدداً ازدواج کند (رومیان ۷: ۳۱). در این دیدگاه، ازدواج مجدد به دنبال طلاق، زنا محسوب می‌شود.

بعضی دیگر بر این باورند که خدا در برخی شرایط طلاق را مجاز می‌شمارد اما شخص طلاق گرفته باید مجرد بماند؛ ازدواج مجدد زنا به حساب خواهد آمد.

نظر سوم این است که خدا در بعضی شرایط طلاق را مجاز می‌شمارد و در این شرایط ازدواج مجدد بی‌اشکال است.

دیدگاه کتاب مقدس چیست؟

حال کدام یک از این دیدگاه‌ها به مشورت کامل الهی امین‌تر است؟ اجازه بدهید تعلیم کتاب مقدس در خصوص طلاق را خلاصه‌وار بررسی کنیم:

۱. روشن است که خدا در نظر داشته که ازدواج پیمانی مادام‌العمر باشد. در مرقس ۱۰: ۲-۹ و

متی ۱۹: ۳-۸، فریسیان از عیسی می‌پرسند که آیا مجاز است که مرد زن خود را طلاق دهد؟ عیسی در پاسخ می‌فرماید: «آنچه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند» (مرقس ۱۰: ۹).

۲. همچنین روشن است که خدا در نظر دارد آنانی که وارد پیوند زناشویی می‌شوند بدانند که باید برای تمام عمر با یکدیگر بمانند (متی ۵: ۳۲؛ مرقس ۱۰: ۹؛ متی ۱۹: ۶؛ اول قرنتیان ۷: ۱۰).

۳. وقتی گناه جدایی را همراه می‌آورد و طلاق رخ می‌دهد، علتش سختی دل انسان است. مشورت خدا این است که بهتر است شخص در این صورت یا تنها بماند یا در جهت آستی بکوشد (اول قرنتیان ۷: ۱۱).

۴. ازدواج مجدد پس از طلاق می‌تواند زنا به حساب آید (متی ۵: ۳۲؛ مرقس ۱۰: ۱۱-۱۲؛ لوقا ۱۶: ۱۸).

۵. طلاق و ازدواج مجددی که می‌تواند زنا تلقی

نشود، در متی ۱۹: ۹ تشریح شده است: «به شما می‌گویم هر که زن خود را به غیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است.» لذا وقتی در ازدواج مسیحی زنایی رخ می‌دهد، طلاق مجاز است اما الزامی نیست. مطلوب‌ترین حالت، توبه و مصالحه است، زیرا طلاق در هر شرایطی به قیمتی سنگین تمام می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که تاثیر منفی طلاق بر فرزندان بسیار زیاد است و ممکن است هیچگاه بهبود نیابد. وقتی دو نفر ازدواج می‌کنند، مانند این است که دو تکه کاغذ را با چسب به هم می‌چسبانند. آنها تبدیل به یک تکه می‌شوند. هر نوع تلاشی برای جدا کردن آنها منتهی به بریدگی و پارگی می‌شود.

۶. موقعیت دیگری که در کتاب مقدس مطرح شده، طلاقی است که در اثر ترک یکی از طرفین بی‌ایمان رخ می‌دهد. در اول قرن‌تین ۷: ۱۵، پولس درباره یکی از طرفین بی‌ایمان سخن

می گوید که همسر ایماندار خود را ترک می گوید. شخص مسیحی باید با همسر بی ایمان خود بماند و طوری زندگی کند تا بلکه او را (زن یا شوهر را) به سوی مسیح هدایت کند. با این حال، اگر طرف بی ایمان بخواهد که همسر (یعنی زن یا شوهر) ایماندار خود را ترک گوید و طلاق بگیرد، چاره‌ای جز پذیرش نیست. از آنجا که خدا در این شرایط طلاق را مجاز شمرده، اکثر متفکرین مسیحی معتقدند که ازدواج مجدد مجاز است.

هدف خدا از این حکم

در تجزیه و تحلیلی نهایی، لازم است توجه داشته باشیم که حکم خدا را باید همچون وسیله‌ای الهی دانست برای تحکیم پیوند زناشویی. حکم خدا برای این است که ما را از لغزش محفوظ دارد و ما را بر آن دارد تا برای دریافت کمک نزد خدا برویم. حکم خدا برای آن است که به ما یادآوری کند که جدا از مسیح، مطلقاً قادر

به تغییر خود و ازدواج مان نیستیم. بنابراین، باید بیاموزیم که چگونه از وسایل فیض الاهی استفاده کنیم تا بتوانیم به زوج‌های مسیحی مدد برسانیم. بهترین راه برای تقویت پیوند ازدواج، رشد در فیض خدا از طریق دعا و مطالعه دو نفری کتاب مقدس و فعال بودن در کلیسایی نیرومند و استوار بر کتاب مقدس است.

سرشناسه: ازدواج مسیحی

نویسنده: تت استیوارت

ناشر فارسی: انتشارات جام (جهان ادبیات مسیحی) زیر مجموعه جود پراجکت

صفحه آرای: انتشارات جام

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای سازمان جود پراجکت محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام)، ترجمه مژده برای عصر جدید (انتشارات انجمن های متحد کتاب مقدس) و همچنین ترجمه تفسیری (انتشارات انجمن بین المللی کتاب مقدس) است. حق چاپ برای این انتشارات محفوظ است.

جهت تهیه این کتاب و یا دسترسی به سایر ادبیات مسیحی چاپ انتشارات جام (جهان ادبیات مسیحی)، با رایانامه زیر به فارسی یا انگلیسی تماس بگیرید.

order@judeproject.org



انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

Christian Marriage by Ashton Stewart

This translation is published by partnership between Jude Project and TALIM ministries. All rights reserved.

Layout setting: The Jude Project

Farsi translation Copyright © 2016 TALIM ministries

ISBN: 978-1-941693-09-4

If you would like more information about The Jude Project or information about other resources in Farsi, or other languages, visit www.judeproject.org or email us at:

order@judeproject.org

کشیش تت استیوارت دانش آموختهٔ
الاهیات مسیحی در دانشکدهٔ الاهیات
پرینستون و مدیر سازمان تعلیم است.
این کتابچه خلاصه‌ای از آموزه‌های
کتاب مقدس در باب ازدواج مسیحی
است. تت استیوارت کتب دیگری نیز
از جمله «تشخیص دعوت الاهی برای
خدمت» و «تربیت فرزندان» به رشتهٔ
تحریر درآورده است.



سازمان استیوارت جسد
جهان ادبیات مسیحی



JUDE PROJECT

مجموعه تعلیم

ISBN 978-1-941693-09-4



9 781941 693094